



# نارنج

«عشق راز بر باران باید جست»

شماره سوم، دوهفته نامه فرهنگی اجتماعی باران، دانشگاه علوم پزشکی قم

## یک پیشنهاد قابل تأمل!

### سخن سردبیر

السلام علیک یا ابا عبدالله و علی الأرواح التی  
حلت بفنائک...

سلام

در ابتدا، از طرف تیم تحریریه و دست اندرکاران  
نشریه شهدا محور باران، فرارسیدن اربعین  
شهادت ابا عبدالله الحسین (ع) را صمیمانه  
تسلیم می گویم. امیدوارم همه، چه آنهایی  
که این اربعین مهمان بین الحرمین بودند و  
چه آنهایی که مثل من، بازم از قافله عشق  
جاماندند کربلایی شده باشند و امام حسین  
(ع) بانگه خریدارانه به ایشان نگاه کرده باشد  
و زیارتشان را پذیرفته باشد.

چندماه دیگر تا دومین سالگرد تدفین  
شهادت گمنام دانشگاهمان مانده و می  
دانم که حوالی دی و بهمن بازم عده ای  
از دانشجویان و دانشگاهیان شیفته شهدا عزم  
خود را جزم کرده و تحت عنوان ستاد تکریم  
شهدا، به تدارک یادواره و نمایشگاه و تئاترو  
... می پردازند تا سالگرد شایسته ای برای  
شهدایمان تدارک بینند. اما به گمان من  
بسیار زیباتر و شایسته تر است اگر از هم  
اکنون به فکر یک ستاد دائمی برای تکریم  
و بزرگداشت شهدایمان باشیم. ستادی که در  
تمام ایام سال، پیگیر اتفاقات خوبی مثل  
ساخت یک یادمان مستحکم و زیبا، برگزاری  
بهترین یادواره ها و آیین غباروبی هفتگی  
و ارائه محتوای فرهنگی و رسانه ای مناسب  
باشد...

این سومین شماره از نشریه باران است،  
باران جایی برای بازگویی دغدغه ها، ایده ها  
و نظرات سازنده شماست پیرامون هرآنچه  
که به شهدا مرتبط است. نظرات خود را باما  
درمیان بگذارید.

KhademAlshohada ۱۹۲۰

زمان آن ها را یکهزار و چهارصد سال دیرتر  
به صحرای کربلا راه داده است.  
پاهایم انگار به دو بال تبدیل شده اند. در  
محضر تو وجود جسمانی چه ارزشی دارد؟  
روح تو را طلب می کند.

هر چه نزدیک تر می شوم پاهایم بیشتر به  
سمت پرواز می کنند. نگاهم به گنبدت می  
افتد. پاهایم سست است. زمزمه یا حسین از  
هر طرف به گوش می رسد.  
مگر چه می کنی با دل آدمها که اینگونه  
عاشقانه و مخلصانه صدایت می زنند؟  
دستم را روی سینه ام می گذارم و از ته دل -  
آنجایی که عشق خانه دارد- می گویم: سلام  
آقا...!

السلام علیک ایها الغریب  
السلام علیک ایها المظلوم  
السلام علیک ایها العطشان  
السلام علیک یا ابا عبدالله...



## ره دیدار ماه

نویسنده: ریحانه محسنی

بسم رب الحسین

ثانیه ها، ساعت ها و روزها را می شمردم

منتظرم

منتظر رفتن به وادی عشق

رفتن به کربلا

به رسم عادت کوله می بندم. فصل کوله  
بستن هاست. ذره ذره عالم کوله می بندند؛  
حتی شن های بیابان!

راه افتاده ام، هوا هوای توست. بوی خاک نم  
خورده می آید، بوی گل های شقایق، بوی  
«تو»...

انگار قدم هایم دست خودم نیست، اشک  
هایم همینطور. راهم به سمت ابدیت است،  
به جایی که ثانیه ها معنا ندارند، جایی که  
سلول به سلول بدن تسبیح می گویند.  
می بینی؟

این همه آدم خالصانه آمده اند تا به «تو»  
برسند. به دل های لکه دارشان نگاه نکن.  
پشیمانند! در عمق چشمهایشان بغضی را می  
بینی که گواه بر بازگشتشان است.

آن طرف تر موکب ها صف کشیده اند.  
التماس ها برای نوشیدن حتی یک جرعه  
آب به گوش می رسد. عاشقانی هستند که

## اربعینی ها

شعر از سارا رستمی

اربعین آمد و عشاق همه صف به صف اند  
رو به سوی حرم عشق همه جان به کف اند  
آن یکی پای پیاده، دیگری پای کشان  
با دلی پر غم از این رنج و بلا، سینه زنان  
این همه زائر و عشاق روند در پی دوست  
همگی سینه زنان نوحه کنان، مقصد اوست  
هذه الیوم چهلم بود از داغ حسین(ع)  
چشم گریان شود و حال پریشان حسین(ع)  
یا رب این سوگ و عزا بهر حسین بن علی(ع)  
بپذیر از همه عالم تو خدایی و ولی



# علمدار عشق



ادامه...

در ۲۴ ساعت بعدی باید ۳۰۰ بار استغفار کنم و باز هم ۳۰۰ به ۶۰۰ تبدیل می شود.

قانون هشتم:

هر کجا که نماز را تمام می خوانم باید در هفته ۲ روز را روزه بگیرم، بهتر است که دوشنبه و پنج شنبه باشد، اگر به هر دلیلی نتوانستم این عمل را بجا بیاورم در هفته بعد به ازای دو روز ۳ روز و به ازای هر روز ۱۰۰ ریال صدقه باید پردازم.

قانون نهم:

در هر روز باید ۵ مسئله از احکام حضرت امام (ره) را بخوانم. اگر به هر دلیلی نتوانستم این عمل را بجا بیاورم روز بعد باید ۱۵ مسئله بخوانم.

قانون دهم:

در هر ۲۴ ساعت باید ۵ بار تسبیح حضرت زهرا(س) برای نماز یومیه و ۲ بار هم برای نماز قضا بگویم.

در شماره قبل پنج تا از قوانین دهگانه شهید سید مجتبی علمدار برای تزکیه و تربیت نفسش رابهم مرور کردیم، اینک ادامه آن را بخوانید. شاید شما هم دوست داشته باشید قول و قرارهایی باخود و خدایتان بگذارید.

قانون ششم:

حداقل باید در آخرین رکوع و در کلیه سجده های نمازهای واجب صلوات بفرستم. اگر به هر دلیلی نتوانستم این عمل را انجام دهم، باید به ازای هر صلوات ۱۰ ریال صدقه بدهم و ۱۰۰ صلوات بفرستم.

قانون هفتم:

حداقل باید در هر ۲۴ ساعت ۷۰ بار استغفار کنم. اگر به هر دلیلی نتوانستم این عمل را بجا آورم،

اگر به هر دلیلی نتوانستم این فریضه الهی را انجام دهم باید به ازای هر یکبار، ۳ مرتبه این عمل را تکرار کنم.

## چرا کوفه، کوفه شد؟

نویسنده: زهراسادات آقامیری



کوفه آنقدر روزهای ناخوشایند داشته که کمتر کسی مایل به مرور کردن روزگارش برای رسیدن به اندک روزهای خوبش باشد، مثل فیلم هایی که شخصیت اصلی و مثبت فیلم ناگهان تغییری صدو هشتاد درجه می کند و آرام آرام حس تنفر در مخاطب ایجاد می شود. اما بیایید منصف باشیم کوفیان کسانی بودند که امام علی (ع) مدینه زهرایش را رها کرد تا حکومت جدیدش را در کنار آنان بر پا کند، از حق نگذریم کوفیان تشنگان اصلاحات به دست امام علی (ع) بودند. شهر آنها انتخاب امام برای اصلاح و فرماندهی امت بود. بخواهیم منصف باشیم امام درابتدا روی کوفیان حساب باز می کرد اما فقط چند سال طول کشید، سرانجام کوفیان عوض شدند و آنگاه که ماهی از آب خسته شود سرنوشتش مرگ در خشکی است و البته چنین نبود که امام از این آینده نه چندان دور خبر نداشته باشد. کوفیان زمانی رنگ باختند که احساس کردند بیشتر از امامشان می فهمند، سر به ناسازگاری گذاشتند و خطوط دین و

ایمانشان کج شد و به ناکجا آباد رسید. کم-کم دوران عهد شکنی و خواری و خفت رسید و ننگ کوفه و کوفی جماعت در تاریخ ثبت شد و کوفه شد شهر هزار چهره و هزار فرقه و روی آسایش ندید. کوفه و روزگارش باز هم تکرار می شود. درشهرهایی که انسان های باوجدانش عوض می-شوند. درشهرهایی که انسانهایش رنگ ایمان از امام خود نمی گیرند و فکر برتری بر امام خود دارند شاید حوادثی غیرقابل باورتر و جبران ناپذیرتر رخ دهد.

بیایید به سنت لقمان حکیم عهد و اطاعت را از کوفی جماعت بیاموزیم، هرچه آنها کردند ما نکنیم و اهل کوفه نباشیم تا سید علی تنها بماند.

شماره سوم



صاحب امتیاز و مدیر مسئول:  
فاطمه مؤدب

سردبیر: فاطمه مؤدب

هیئت تحریریه:

فاطمه مؤدب، ریحانه محسنی، سارا

رستمی، زهرا سادات آقامیری

صفحه آرایی:

مریم نوش آبادی

راه ارتباط با نشریه باران:

Baran.f.m841@gmail.com